



داوود رویدل

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

مقدمه

اساس طرح «معلم-پژوهنده» بر ترویج، گسترش و نهادینه‌سازی امر پژوهش در آموزش و پرورش می‌باشد. با این توضیح که پژوهش و تحقیق (به مفهوم رایج آکادمیک) مورد نظر نیست.

پژوهش در هر قالب و طرح، اعم از پژوهش آکادمیک یا طرح اقدام‌پژوهی و تعمیق یا نهادینه‌سازی اصل پژوهش در جامعه مستلزم تحقق شرایط ذیل می‌باشد:

۱. شرط اول، این‌که پژوهش، به‌عنوان نیازی مبرم در جامعه تلقی گردد. مسأله این است که پژوهش، اهمیت و نقش پژوهش در پیشرفت و توسعه نهادینه آموزش و پرورش در جامعه تلقی نمی‌گردد، بلکه پژوهش در کارسازترین نهاد اجتماعی، آموزش و پرورش، و در نزد دست‌اندرکاران و پیشگامان فرهنگ جامعه (معلمان و مدیران آموزش و پرورش) امری ثانوی و فرعی محسوب می‌شود، امری که پرداختن به آن از حوصله، وقت و

طرح «معلم- پژوهنده» می تواند در جایگاه یک رابط ایفای نقش نموده و تجارب پایدار آموزشی و روابط انسانی بین فراگیر و معلم را به ارمغان آورد

امکانات موجود فرهنگیان خارج بوده و وظیفه جمع معهود دانش جو دانسته شده و در غیر این صورت، پژوهش در نزد فرهنگیان به اهداف کسب امتیاز و اخذ گروه محصور می گردد.

بدیهیات زندگی روزمره و نظر به آن چنین القا می کند که طرز تلقی و نگرش مذکور بی اساس و خارج از اصول عقلی می باشد. بدهت مدعا با تمثیل از زندگی روزمره بیان می شود؛ هر شخص قبل از خروج از منزل و با وسایلی چون آئینه، شانه و... خود را بازبینی و آماده خروج از یک مصدر و ورود به مقصدی جدید می نماید و در همین راستا، چین و چروک عارض بر لباس هایش را برطرف نموده و خود را پیراسته و آراسته می سازد.

بازبینی، بازنگری، تجدید نظر، تجدید قوا و کشف نقاط ضعف و قوت نهفته در شیوه های عمل و ابزارهای موجود و عادت شده و بهینه سازی اعمال و روش های فردی، کلید رمز توسعه و نیل به مقاصد تعیین شده فردی و گروهی و نیز از محرکه های توسعه نظام های اجتماعی می باشد.

اکنون این پرسش استفهامی مطرح می شود که چرا و چگونه است که در رفع حوائج صوری (و به جای خود به کارکرد) زندگی روزمره، این همه دقیق و دلواپس هستیم و لیکن به ندرت در اندیشه، طرد تفکر و نگرش و شیوه معمول خویش (در تدریس و کلاس داری) می اندیشیم و از بازبینی در آن چیزی پرهیز داریم که از سیرت، منش، شخصیت، افکار و نگرش هایمان برمی خیزد و در یک دور تسلسلی بر افعال و روش های بعدی ما مؤثر واقع می گردد.

۲. نکته حائز اهمیت دیگر این که فلسفه بنیادین طرح اقدام پژوهی نهادینه و بومی سازی امر آموزش و تحقیق در بدنه سازمان آموزش و پرورش می باشد. از اطلاعات و دانسته های اولیه طبیعی و جغرافیایی چنین برمی آید که اقلیم زیستی به انواع مختلف گسترده شده است و هر اقلیم، به تناسب اوضاع آب و هوا، ساختار کانی و ویژگی های مرفولوژیک (ریخت شناختی) واجد یا مستعد پرورش نباتات خاص می باشد. ثمره (میوه) حاصل

فعالیت موزون و انسجام ساختاری زمینه (های) اقلیمی از یک سو و عامل تغذیه کننده (نباتی) از سوی دیگر می باشد.

اقلیم فکری - اندیشه ای، همچون اقلیم جغرافیایی، چنین انسجام ساختاری را در مسیر رشد و ثمره بخشی اقتضا می نماید. جامعه (اقلیم اجتماعی - فرهنگی) واجد عناصر دیرپا، ریشه دار و ساختاری می باشد که به اشکال و در قالب هایی چون آداب، عادات، رسوم، قالب های زبانی، اعتقادات، مناسبات و سنن اجتماعی تجلی یافته و کمابیش در شیوه های مادی زندگی ظهور می یابد.

شکوفای شدن اندیشه ها و به بار نشستن افکار در اقلیم فرهنگی - اجتماعی، آشنایی صاحبان اندیشه، متفکرین و دانش پژوهان (تغذیه کنندگان از زمینه های اعتقادی و باورهای اجتماعی) با خصوصیات، نیازها، ساختارها و عوامل سازنده اقلیم فرهنگی - اجتماعی را اقتضا می نماید.

بر اصل تناسخ میان اندیشه و فرهنگ، نظریه اجتماعی و تئوری انسانی شکل می گیرد، تئوری ای که بومی و نهادینه بوده و گویای آمال، ارزش ها، گرایش ها و رویکردهای معرفت شناختی و هستی شناختی، تاریخ، تجارب جمعی و ساختار اجتماعی غالب در آن مجموعه فرهنگی - اجتماعی می باشد.

رشدناپاقتگی نهال علم (اندیشه علمی) در اقلیم انسانی - اجتماعی توسعه نیافته را می توان با توجه به ناهم خوانسی های موجود بین تئوری های انسانی و نظریه های اجتماعی اندیشه های علمی مطرح از یک سو و بنیان های معرفت شناختی و هستی شناختی (بنیان های معطوف به تجارب عینی، تاریخی و مناسبات انسانی - اجتماعی غالب در جامعه) از سوی دیگر توضیح داد.

آموزش و پرورش یک خرده سیستم از نظام اجتماعی می باشد که پرورش نهال علم و مسئولیت باغبانی بذره های اندیشه در جامعه را برعهده دارد و طرح «معلم- پژوهنده» می تواند در جایگاه یک رابط و حد واسط ایفای نقش نموده و تجارب پایدار آموزشی و روابط انسانی، بر مبنای باورهای اصیل انسانی - دینی راجع به علم و عالم در اسلام (معارف دینی) و ایران (سنن اصیل ملی)، بین فراگیر و معلم را به ارمغان آورد.

۳. یکی دیگر از مبانی فلسفی - علمی معطوف به طرح «معلم- پژوهنده»، در راستای اصل بومی سازی و نهادینه نمودن علم و دانش، فلسفه تراکمی و تضاری بودن اندیشه علمی می باشد.

طرح «معلم- پژوهنده» در قدم اول با تجارب موردی فعالیت های موفق علمی - آموزشی - تربیتی سروکار دارد. پیشبرد طرح مذکور به تبادل آرا و تجارب آموزشی -

تربیتی، در جریان قرار گرفتن سایر معلمان از تجارب موفق، تبادل نظر میان دست‌اندرکاران مربوطه و ارتقای تدریجی سطح تجارب و بهینه‌سازی بیش از پیش دستاوردهای عملی معلمان از یک‌سو و پژوهش عمقی و کار نظری جامع و فراگیر (با هدف کشف خطوط بنیانی فرهنگی، معرفت‌شناختی و فلسفی پیونددهنده عواملان اجرایی و آموزشگران با مریبان اندیشه) از سوی دیگر، می‌باشد.

انباشتگی و تجمع افکار کاربردی و اندیشه‌های عینی شده، و تراکم پژوهش‌های موردی، زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده صعود بر نردبان علم و ریشه‌دار شدن علم در زمینه فرهنگ بومی می‌باشد. از جانب دیگر، تجمع تجارب و تراکم اندیشه‌ها منوط به مشارکت جمعی در تولید اندیشه، به‌کارگیری نقادانه و آزمون‌تئوری‌های علمی (روان‌شناختی، تربیتی، روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی) و سنجش یا نقد میزان کارایی و بازدهی نظریات علمی در زمینه فعال، پویا و واقعاً موجود فرهنگی - اجتماعی می‌باشد. از شرایط یا عوامل توسعه‌بخش علم در جامعه، وجود رابطه دوجانبه، رفت و برگشت و تکمیلی بین نظریه علمی و تجربه‌های (های) موردی - بومی می‌باشد. دستاوردها و اطلاعات حاصله از تجارب عینی - عملی، مکتوب و منتظم معلمان بِن‌مایه و سرمایه اولیه چالش‌های فکری اندیشمندان، صاحب‌نظران و تئوری‌پردازان می‌باشد. متقابلاً تئوری‌ها و نظریه‌های علمی در صورت ارتباط تنگاتنگ با تجارب عملی و واقعیات بیرونی می‌توانند حلال مسائل و رافع نیازهای موجود باشند.

۴. نکاتی چند در فلسفه طرح «معلم - پژوهنده»

- معلم مصرف‌کننده نهایی اندیشه تربیتی و اصول تئوریزه‌شده آموزشی می‌باشد. بنابراین مناسب آن است که «خود» معلم در تولید اندیشه‌های تربیتی و راه‌های بهسازی فرآیند یاددهی - یادگیری مشارکت داشته باشد. - پژوهش توسط معلم سبب بالا رفتن دانش او و نیز موجب پویایی در بدنه آموزش و پرورش می‌باشد، چراکه معلم بیش از دیگر دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت در معرض سؤال از جانب دانش‌آموزان و والدین قرار دارد. - چنانچه معلمان، خود برای حل مسائل مدرسه و کلاس‌هایشان به پژوهش بپردازند، فاصله بین اندیشه‌های تربیتی و تئوری‌های آموزشی از یک‌سو و عمل تربیتی و فعالیت آموزشی از سوی دیگر کاهش می‌یابد. تجارب میرزا حسن رشديه در ایران عصر قاجار، روش تدریس باغچه‌بان، ماکارانکو در شوروی سابق، جان دیویی در آمریکا نمونه‌هایی گویا می‌باشند.

۵. مراحل پژوهش در عمل اقدام‌پژوهی
- مشخص کردن مسأله: تربیتی، آموزشی، انضباطی، اجتماعی و...

- گردآوری اطلاعات (از طریق پرسش‌نامه، مصاحبه، مشاهده، اسناد و مدارک) در مورد مسائل با همکاری همکاران با تجربه و دانش‌آموزان.

- انتخاب راه حل موقتی و پیشنهادی.

- تجربه کردن یا اجرایی نمودن پیشنهاد.

- ارزیابی نتایج از سوی همکاران، آگاهان، منابع علمی و خود دانش‌آموزان.

۶. چند توصیه علمی

- ثبت و یادداشت خاطرات روزمره در کلاس و مدرسه.

- پذیرش نقطه‌نظرهای مخالف و انتقادی.

- تخصیص چند ساعت از اوقات روزانه به مطالعه و پژوهش.

۷. «نمونه» زمینه‌های پژوهشی

- چگونگی تدریس یک مفهوم علمی یا موضوع درسی.

- طراحی، تولید و به‌کارگیری وسایل کمک آموزشی.

- مسائل یادگیری دانش‌آموزان در موارد خاص و روش حل آن.

- مسائل رفتاری دانش‌آموزان در موارد خاص و روش حل آن.

- شیوه‌های نوین در اداره کلاس.

- شیوه‌های نوین مدیریت آموزشگاه.

- شیوه‌های ابتکاری در امتحان و ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان.

- ...

